

از گوشه و کنار

"سرخ و سیاه" استاندال با ترجمهٔ سحابی منتشر شد

ترجمهٔ مهدی سحابی از رمان معروف استاندال منتشر شد. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سرخ و سیاه نوشتهٔ استاندال، رمانی است که سحابی از زبان فرانسه به فارسی برگردانده و توسط نشر مرکز منتشر شده است. پیش‌تر، این رمان به قلم مترجمان دیگری از جمله عبدالله توکل - مترجم فقید - ترجمه و منتشر شده است. سحابی که به ترجمهٔ رمان دیگری از زبان فرانسه مشغول است، سرخ و سیاه را یک رمان سیاسی، اجتماعی، تاریخی و عشقی خواند و گفت: کتاب‌های استاندال از بنیان‌های ادبیات مدرن دنیا هستند.

سرخ و سیاه داستان جوان جاه‌طلب روستازاده‌ای را روایت می‌کند که در انتخاب میان کشیش شدن و نظامی شدن مردد است. هانری بل که به استاندال معروف است، اثر یادشده را در سال ۱۸۳۱ منتشر کرده است از ترجمه‌های دیگر سحابی، دستهٔ دلفک‌های سلین و مادام بوآری فلور هستند که به تازگی به چاپ دوم و سوم رسیده‌اند.

"عهد جدید" با ترجمهٔ پیروز سیار مجوز انتشار گرفت.

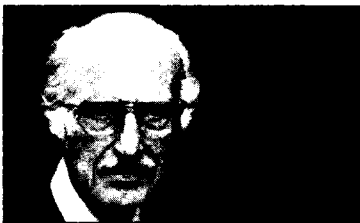
کتاب "عهد جدید" با ترجمهٔ پیروز سیار مجوز انتشار گرفت. ترجمهٔ کامل عهد جدید به انضمام مقدمه‌ها و پانوشته‌های تفسیری و پیوسته‌های انتهای کتاب (شش پیوست) و نقشه‌ها، به زودی به اهتمام نشر نی انتشار می‌یابد. این ترجمهٔ فارسی که بر مبنای کتاب مقدس اورشلیم انجام شده است، مشتمل بر چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان، ۱۳ رسالهٔ پولس و رسالهٔ به عبرانیان، هفت رسالهٔ عام و مکاشفه است. حجم کل کتاب ۱۳۱۲ صفحه در قطع وزیری است. برای تزیین این کتاب از حدود ۸۰ گراور هنرمند فرانسوی گوستاو دوره (Gustave Doré) استفاده شده است. حقوق ترجمهٔ فارسی این اثر طی قراردادی از ناشر فرانسوی کتاب مقدس اورشلیم که انتشارات سرف (Éditions du Cerf) است، خریداری شده است. اجرای ترجمهٔ این کتاب حدود چهار سال به درازا کشید و بیش از ۵۰۰۰ ساعت کاری صرف آن شد.

سروده‌های «شاعران شهر کافکا» و «اریش فرید» منتشر شد

شعر روزهای دلتنگی» (سروده‌های شاعران شهر کافکا) و عاشقانه‌های عصر خشونت» اریش فرید با ترجمه خسرو ناقد منتشر شد. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، «شعر روزهای دلتنگی» سروده‌های شاعران شهر کافکا را دربر می‌گیرد. که ناقد آن‌ها را یا از سروده‌های شاعران و نویسندگانی که زاده شهر پراگ هستند یا رهگذرانی که افسون این شهر شده و تحت تأثیر آن شعری سروده‌اند، برگزیده است. در واقع، پراگ حلقه و نقطه اشتراک شعرهای این مجموعه است. شعر روزهای دلتنگی» به همراه طرح‌هایی از باسما ارسام - نقاش عراقی‌الاصل مقیم ایران - است، که دید و دریافت خود را از شعرهای شاعران شهر کافکا به تصویر کشیده است. مجموعه یادشده به تازگی از سوی نشر جهان کتاب در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه منتشر شده است. همچنین ترجمه «عاشقانه‌های عصر خشونت» سروده اریش فرید، از سوی نشر یادشده به چاپ رسیده است. این کتاب هم با طرح‌هایی از ارسام همراه است، که در آن، ابتدا زندگی‌نامه‌ای از اریش فرید - شاعر آلمانی‌زبان - آمده و سپس شعرهایی از او منتشر شده است. ناقد پیش‌تر کتاب مرگ را با تو سخنی نیست» شامل گزیده شعرهای اریش فرید منتشر کرده است.

ابوالحسن نجفی: زبان فارسی در واژه‌سازی قدرتمند است

خبرگزاری فارس: ابوالحسن نجفی با بیان اینکه استفاده از اشتقاق‌های فعلی، استفاده از وندها و ترکیب‌سازی، واژه‌سازی را تسهیل می‌کند، معتقد است که زبان فارسی در واژه‌سازی قدرتمند است.



به گزارش خبرنگار ادبی فارس، ابوالحسن نجفی، زبان‌شناس، مترجم و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عصر دیروز در نشست هفتگی شهر کتاب که به بررسی زبانی یا سترونی زبان فارسی اختصاص داشت، گفت: من هیچ اعتقادی ندارم که زبان فارسی عقیم است. در

نیمه دوم قرن نوزده بعد از اینکه می‌خواستند اختراع پاستور را نامگذاری کنند و جایگزینی برای واژه میکروارگانیسم انتخاب کنند، جلسه‌ای با حضور متخصصان حوزه تشکیل شد تا سرانجام نام میکرو را بر آن نهادند. آن زمان یعنی نیمه دوم قرن نوزدهم باید برای وضع یک کلمه جلسات متعدد انجام می‌شد، تا لفظی در خور پیدا شود.

وی افزود: اما امروز در زبان انگلیسی روزانه ده‌ها و یا شاید صدها واژه جدید تولید می‌شود. حال باید بپرسیم آیا زبان انگلیسی یک تافته جدا بافته است؟ دلیل این امر چیست؟ زبان انگلیسی به این دلیل می‌تواند این کار را انجام دهد که از امکانات بالقوه زبان استفاده کرده است. آیا ما از امکانات بالقوه فارسی استفاده کرده‌ایم؟ شاهدیم که سیر حضور لغات علمی و فنی بیگانه در زبان فارسی افزایش یافته است و ما باید برای انتخاب لغات بجا از امکانات بالقوه و بالفعل زبان استفاده کنیم. نجفی گفت: از نظر من سه منبع وجود دارد که ما می‌توانیم با استفاده از آنها مسئله واژه‌سازی را تسهیل کنیم. اشتقاق‌های فعلی. استفاده از وندها (پسوند و پیشوند). ترکیب‌سازی (کنمات مرکب). وی در خصوص اشتقاق‌های فعلی گفت: هر فعل بسیط ۳۰ وجه اشتقاق دارد. این اشتقاق‌ها خیلی بلااستفاده و بالقوه مانده است. کتابی نوشته شده با نام فرهنگ مشتقات مصادر فارسی که ۱۰ جلد است. نویسنده بعد از زحمات بسیار این مصادر را جمع کرده و آنچه از مصادر که امکان اشتقاق داشته پیدا کرده و در این کتاب مفید آورده است.

نویسنده کتاب "غلط نویسیم" اضافه کرد: این نکته را همه درمی‌یابیم که همه افعال فارسی تا به امروز قابلیت ۳۰ اشتقاق را نداشتند؛ برای مثال فعل نگریدن ۱۹ اشتقاق بالفعل دارد و ۱۱ اشتقاق بالقوه. فعل نمودن ۲۰ اشتقاق بالفعل دارد و ۱۰ اشتقاق بالقوه. نجفی گفت: در سال ۱۳۲۵ من شاگرد سال‌های آخر دبیرستان بودم. در آن زمان سالنامه‌ای با نام آریان منتشر می‌شد و صاحب آن سالنامه شخص با فرهنگی بود که کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود تا جوانان به صورت رایگان از آن استفاده کنند. اسم این کتابخانه در ابتدا قرائت‌خانه بود و او می‌خواست اسمش را بگذارد خوانشگاه که سر این مسئله درگیری‌های بسیاری به وجود آمد و سرانجام آنجا تعطیل شد.

وی افزود: کلمات عربی که وارد زبان فارسی شده جزو زبان فارسی است. اما تأسف می‌خورم بعد از آن که فارسی پس از دو قرن که حالت نوشتاری نداشت، رسمی شد از تمام امکانات بالقوه زبان استفاده نشد. در همان زمان می‌توانستند کلمه گمارش را به جای انتصاب، گدازش را به جای ذوب و... به کار ببرند. من مخالف وجود کلمات عربی نیستم. ولی اگر از امکانات بالقوه زبان استفاده می‌شد زبان توانایی‌های بیشتری پیدا می‌کرد و این روز ما بیشتر می‌توانستیم با لغت‌های ورودی مقابله کنیم و برایشان معادل بسازیم.

این زبان‌شناس با اشاره به اندک بودن افعال بسیط تصریح کرد: امروز تعداد افعال بسیط حدود ۲۷۰ فعل است. یکی از برتری‌های زبان‌های خارجی غربی تعداد بیشتر افعال بسیط نسبت به زبان ماست. ما افعال بسیط را به افعال مرکب تبدیل کردیم و افعال بسیط را از زبانمان خارج کردیم. باید

در نظر می‌گرفتیم که از افعال مرکب نمی‌توان این اشتقاق‌ها را ساخت. نکته دیگر این است که ادباً فضلاً در برابر ساخت ترکیبات جدید مقاومت می‌کنند. زبان عامیانه فارسی به راحتی از این مصاه قیاسی مانند چاییدن، پلکیدن، لمباندن، سریدن و... استفاده می‌کنند چرا ما این کار را انجام ندهیم چرا می‌ترسیم که این ترکیبات را وارد زبان رسمی کنیم؟

برای مثال ما از زبان عربی کلمه رقص را گرفتیم و رقصیدن ساختیم. فهم را گرفتیم و فهمیدن ساختیم و این نشان از ماهیت قوی واژه‌سازی در زبان فارسی می‌دهد.

وی در خصوص استفاده از وندها گفت: ما بیش از ۷۰ ونده در زبان فارسی داریم که پیشوندها تعداد کمتری نسبت به پسوندها دارند. ما از این امکان که در اختیار ماست نیز کمتر استفاده می‌کنیم. تعداد واژه‌های مرکب تقریباً اندازه واژه‌های بسیط است. ما ۵۵ درصد کلمات بسیط داریم و ۴۵ درصد کلمات مرکب. تا حالا برای ساختن واژه‌های علمی جدید از کلمات مرکب استفاده می‌کردیم. برای مثال از ترکیب اسم با اسم کلمات زیبایی تشکیل می‌شود. کاهگل، بادپا، رختخواب، عهدنامه، نیشکر، بهارنارنج، هنربیشه، بهارخواب و... از ترکیب اسم و صفت کلماتی چون: دلشنگ، خونسرد، دلمرده، سرمست، دلپاک، دلخوش و... از ترکیب صفت و اسم کلماتی چون: عالی‌مقام، خوش‌خلق، خوش‌رو، پاکدل و... از ترکیب صفت با صفت کلمه ای مانند: خوش‌خوش ساخته می‌شود. از ترکیب قید با اسم کلماتی مانند همیشه بهار، خودکار، خودسر، خودکامه تشکیل می‌شود. مصادیق این کلمات در زبان عامیانه نیز زیاد است. مردم به راحتی برای نیازهایشان معادل پیدا می‌کنند. پیچ‌گوشی، سگ‌دست، شغال‌دست، زیرسیگاری، جارختی و ... کلمات مرکب هم لزوماً معنای شفاف ندارند که مصادیقشان در ادبیات بسیار زیاد است. برای مثال پایاب، دست‌فروش، دست‌نماز، پادو.

نجفی گفت: بیشتر واژه‌های نوساخته علمی در فرهنگستان با استفاده از قدرت ترکیب‌سازی زبان فارسی صورت پذیرفته است. حدود سه قرن پیش ویلیام جونز مستشرقی که در ایران فارسی یاد می‌گرفت خاصیت ترکیبی زبان فارسی را بر عربی ارجح دانسته است. زبان عربی امروز از زبان فارسی در حوزه واژه‌سازی علمی بسیار ضعیف‌تر است. زبان فارسی به دلیل ترکیب‌بودنش ساخت لغت را راحت کرده ولی عربی باید لغت‌ها را به باب‌های ثلاثی ببرد.

وی در پایان گفت: ترکیب‌های چندواژه‌ای هم در زبان فارسی وجود دارد که بیشتر از متون ادبی به دست آمد. مثلاً کلمات ترس محتسب خورده، یکی در عمر خود ناخورده نیش، زهر تنهایی

چشان و... من واقعا نمی‌دانم زبان‌های دیگر آیا اصلا قدرت ترکیب‌سازی چند کلمه‌ای را دارند یا خیر؟ ولی ما شاهدیم که این گونه الفاظ در زبان عامیانه ما نیز استفاده می‌شود.



مهشید نونهالی "هنر معاصر در فرانسه" را ترجمه می‌کند

مهشید نونهالی به ترجمه هنر معاصر در فرانسه مشغول است به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری (ایسنا)، هنر معاصر در فرانسه نوشته کاترین نیله است که نونهالی از زبان فرانسه به ترجمه آن می‌پردازد. همچنین کتاب تئاتر و کارگردانی نوشته ژان ژاک روپین با برگردان او از سوی نشر قطره برای نوبت دوم منتشر شده است ترجمه‌های این مترجم از داستان به هم‌پیوسته جمله‌های کوتاه عزیزم نوشته پی‌یرت فلوتیو و معضل‌های ژاک دریدا نیز به ترتیب از سوی نشر قطره و گام نو زیر چاپ‌اندگردآوری نظریه‌ها و سخنرانی‌های ناتالی ساروت دربارهٔ رمان و ادبیات و ترجمه جلد سوم زمان و حکایت پل ریکور، از آثار در دست انجام مهشید نونهالی هستند.

کتاب "ریتم‌ها"ی هیوز با ترجمه غبرایی سرانجام منتشر شد

کتاب ریتم‌ها نوشته لنگستون هیوز با ترجمه مهدی غبرایی سرانجام منتشر شد. همچنین شوهر دلخواه نوشته ویکرام ست - نویسندهٔ هندی - که غبرایی ۱۴ سال پیش آن را ترجمه کرده، به تازگی چاپ شده و منتظر اعلام وصول است به گفته مترجم، داستان این کتاب در سال ۱۹۵۰ در هند می‌گذرد و در یک سال، چهار خانوادهٔ هندی را بررسی می‌کند، که در مرکز آن، خانوادهٔ مهرا قرار دارد؛ دختری که سه خواستگار دارد و کشمکش‌هایی که کدام را انتخاب کند از سوی دیگر، برتری و بقا نوشته چامسکی (دربارهٔ تحلیل ساختاری ایالات متحده و ایرادهایی که به نظام سرمایه‌سالار آمریکا وارد است)، رمانی دربارهٔ افغانستان، هرگز ترکم نکن کازوئو ایشی گورو و تربیت اروپایی، آثاری از این مترجم‌اند، که به گفته‌ی او، از یک تا سه سال در انتظار دریافت مجوز انتشارند.

"دفترهای مالده لائوریس بریگه" از راینر ماریا ریلکه، "خانه‌ای برای آقای بیسواس" از و. س. ناپیل، "عشق و مرگ" در کشوری گرمسیر" از شیواناپیل، "میعاد در سپیده‌دم" از رومن گاری، "دل سگ" از میخائیل بولگاکوف، "درسواوالا" از ولادیمیر آرمنیف، "موج‌آفرینی" از ماریو بارگاس

یوسا و "تانگوی تک‌نفره" (زندگی‌نامه‌ی آنتونی کوپین) از آنتونی کوپین و دانیل پسنر، از جمله ترجمه‌های غبرایی هستند.

انتشار "درباره نمایش" سارتر پس از ۳۰ سال

درباره نمایش کتاب ژان پل سارتر با ترجمه ابوالحسن نجفی پس از ۳۰ سال از سوی انتشارات نیلوفر تجدید چاپ شد به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، درباره نمایش شامل دو بخش است: بخش نخست که حاوی مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هاست به مسائل اساسی و کلی تئاتر می‌پردازد و بخش دوم که بحث درباره آثار نمایشی خود سارتر است جنبه اختصاصی‌تر و محدودتری دارد این کتاب با سرفصل‌هایی چون "سبک بیان نمایش"، "ساختن اسطوره"، "برشت و نمایشنامه‌نویسان کلاسیک"، "تئاتر و سینما"، "نویسنده، نمایشنامه، تماشاگر" و "گفت و گو با کنث تاینان" به نگارش درآمده است اولین نمایشنامه ژان پل سارتر در سال ۱۹۴۰ نوشته شد و آخرین نمایشنامه وی در سال ۱۹۶۵ روی صحنه آمد در طی این مدت، سارتر در زمینه نمایش فعالیت‌های دیگری هم داشته است، مانند سخنرانی، مقاله، مصاحبه، یادداشت و نقد که در نشریات مختلف پراکنده بوده و حتی بعضی مفقود شده به حساب می‌آمده است که دو تن از محققان میشل کونتا و میشل ریبالکا این مطالب را گردآوری و بعضی را از زبان‌های دیگر ترجمه و در سال ۱۹۷۳ در مجموعه‌ای به نام "تئاتر موقعیت" به چاپ می‌رسانند. کتاب حاضر ترجمه فارسی عمده مقالات آن مجموعه است چاپ نخست درباره نمایش تابستان ۱۳۵۷ بوده که بعد از ۳۰ سال با ترجمه "ابوالحسن نجفی" از سوی انتشارات نیلوفر در شمارگان ۴۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده است.

رمان "سرزمین سراب‌ها" نوشته داریوش شایگان به فارسی ترجمه می‌شود.

داریوش شایگان مقاله "دگردیسی‌های امر قدسی" را در قالب کتابی منتشر می‌کند شایگان به خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گفت: مقاله دگردیسی‌های امر قدسی پیش‌تر به زبان فرانسه نوشته و در همایشی در مراکش ارائه شده است او تصمیم دارد این مقاله را به زبان فارسی ترجمه و با توسعه‌اش، آن را به صورت کتابی و احتمالاً با همین عنوان منتشر کند از

سوی دیگر، رمان سرزمین سراب‌های شایگان که به زبان فرانسه نوشته شده، در حال ترجمه به زبان فارسی است، که احتمالاً پس از ترجمه، در ایران منتشر خواهد شد.

او همچنین گفت که برخی کتاب‌هایش از جمله: "آسیا در برابر غرب" و "ادیان و مکاتب فلسفی هند" (انتشارات امیرکبیر)، و "آیین هندو و عرفان اسلامی" (نشر فرزانه روز) به تازگی تجدید چاپ شده‌اند و کتاب‌های "هانری کرین" و "افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل‌تکه و تفکر سیار" هم در حال تجدید چاپ از سوی نشر فرزانه روزند.



همراه با چاپ "نقشه‌هایت را بسوزان"

مژده دقیقی ادامه ماجراهای هلمز را ترجمه می‌کند.

مژده دقیقی ششمین مجلد از "ماجراهای شرلوک هلمز" را در دست ترجمه دارد به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).

دقیقی که پیش‌تر پنج مجلد از مجموعه "ماجراهای شرلوک هلمز" را ترجمه و منتشر کرده است، ششمین کتاب از مجموعه یادشده را در حال ترجمه به فارسی دارد. این مترجم همچنین مجموعه "نقشه‌هایت را بسوزان" را شامل ۹ داستان از نویسندگان معاصر کانادایی و آمریکایی، که به جز استیون کینگ و جویس کرول اوتس، بقیه برای اولین بار است در ایران معرفی می‌شوند، از سوی نشر نیلوفر در دست انتشار دارد از سوی دیگر، فرار آلیس مونرو چندی پیش با ترجمه دقیقی انتشار یافت.

"به‌سوی فانوس دریایی" وولف با ترجمه کیهان منتشر شد.



به‌سوی فانوس دریایی ویرجینیا وولف با ترجمه خجسته کیهان منتشر شد. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در این رمان، زندگی، مرگ و خانم رمزی مسائل اصلی‌اند و فانوس دریایی که در دریا منزوی است و به فواصل مرتب پرتو می‌افکند، تصویر نیرومندی است؛ اما در این اثر، رویداد، حتی مهم‌ترین رویدادها مانند: تولد،

مرگ یا تاریخ کشور هنگام جنگ، شخصیت، تم و نماد برای تبیین و تفسیر کافی نیستند به گمان کیهان، و وولف وقتی طرح رمان را می‌ریخته، از این عناصر به‌طور فشرده نام برده است. گذار موضوع خانواده، پدر به عنوان شخصیت اصلی و مادر در مکان و زمانی که به خاطرات نویسنده مربوط می‌شود، نمایانگر مدرن بودن به‌سوی فانوس دریایی است به اعتقاد این مترجم، جاذبه اثر و وولف به خاطر باز آیدها، احساسات و واژه‌هاست. از جمله در این رمان، هنر نه به منزله مقوله‌ای ایستا؛ بلکه زمینه‌ای پویا به شمار می‌آید. هدف انقلابی این رمان، تنها خاطره‌گویی نیست؛ بلکه به استقبال لحظه بودن می‌رود و تجربه را پیش از آشکار شدن پی می‌گیرد. به‌سوی فانوس دریایی به تازگی از سوی انتشارات نگاه منتشر شده است. کیهان پیش از این نیز ترجمه یادداشت‌های پراکنده ویرجینیا وولف و خانم دالووی را ترجمه کرده است. او همچنین در مراحل نهایی ترجمه حقه‌های دختر آتشیاره آخرین رمان یوسا، است که تا ماه آینده، این اثر را به چاپ خواهد سپرد. "کشور آخرین‌ها"، "قاتل روباه است"، "ارواح"، "هیولا"، "شب پیشگویی"، "پمپنی"، "دیوانگی در بروکلین"، "اسطوره سوپرمن" و "جام شکسته" از جمله ترجمه‌های خجسته کیهان هستند.

رمان دیگری از فردینان سلین به ایران رسید.

رمان معرکه نوشته لویی فردینان سلین - نویسنده فرانسوی - با ترجمه سمیه نوروزی منتشر شد. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، داستان رمان "معرکه" در فضای جنگ می‌گذرد و قصه شبی در پادگان است که با معرفی سرباز به جوخه مربوطه آغاز می‌شود و با ضوع خورشید پایان می‌یابد این داستان نخستین بار در سال ۱۹۴۹، یعنی زمان تبعید سلین منتشر و سه سال بعد، پس از افزوده شدن قسمت‌های جدیدی به انتهای رمان، تجدید چاپ شد. سفر به انتهای شب و مرگ قسطی سلین بیشتر توسط فرهاد غبرایی و مهدی سحابی به فارسی ترجمه شده‌اند. لویی فردینان سلین متولد سال ۱۸۹۴ در پاریس بود و سال ۱۹۶۱ درگذشت سمیه نوروزی رمان معرکه را از فرانسه به فارسی برگردانده که به تازگی از سوی نشر چشمه منتشر شده است از این مترجم، پیش‌تر "مرد خسته"ی طاهرین جلون منتشر شده که نامزد بهترین ترجمه کتاب سال جمهوری اسلامی بوده است.

"موزه بی‌گناهی" پاموک به ۳۰ زبان ترجمه می‌شود.

رمان *موزه بی‌گناهی*، جدیدترین اثر اورهان پاموک - نویسنده ترک برنده نوبل ادبیات -، به بیش از ۳۰ زبان دنیا ترجمه و چاپ خواهد شد به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، روزنامه واتان چاپ استانبول اعلام کرد. *موزه بی‌گناهی* پس از آن که هفته جاری در ترکیه منتشر شود، به بیش از ۳۰ زبان دنیا ترجمه و چاپ می‌شود همچنین نسخه آلمانی زبان کتاب روز ۲۹ اوت منتشر می‌شود و این برای اولین بار خواهد بود که ترجمه یک رمان ترکی به زبان دیگر، هم‌زمان با آن منتشر می‌شود نسخه آلمانی زبان "*موزه بی‌گناهی*" قرار است در نمایشگاه امسال کتاب فرانکفورت، که ترکیه مهمان افتخاری آن است، عرضه شود پاموک برای نوشتن این رمان ۱۰ سال وقت صرف کرده و برای کار تحقیقاتی از موزه‌های آسیایی و اروپایی دیدن کرده است.

موزه بی‌گناهی درباره یک مرد استانبولی ثروتمند است که عاشق دختری از یک خانواده فقیر می‌شود.

"دل تاریکی" جوزف کنراد همچنان در انتظار

صالح حسینی به ترجمه اثری حماسی مشغول است.

صالح حسینی ترجمه کتاب تازه‌ای را در دست دارد به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به گفته حسینی، این کتاب اثری روایت‌گونه و حماسی است و او ترجمه بیشتر از نیمی از آنرا به انجام رسانده است همچنین به تازگی، ترجمه این مترجم از به سوی فانوس دریایی ویرجینیا وولف برای نوبت پنجم از سوی انتشارات نیلوفر تجدید چاپ شده است حسینی گفت. *دل تاریکی* جوزف کنراد هم که کتابی درسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی است، با ترجمه او مدت دو سال است که در انتظار مجوز نشر به سر می‌برد. زیر کوه آشفشان مالکوم لاوری آخرین ترجمه‌ای است که از صالح حسینی منتشر شده است.

مصاحبه‌های آنا آخمتووا به فارسی ترجمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، سحر کریمی مهر کتاب "مصاحبه با آنا آخمتووا" نوشته لیدیا چوکفسکایا را در دست ترجمه دارد به گفته مترجم، کتاب یادشده، مصاحبه‌ها، مکاتبه‌ها، مکالمه‌ها و تبادل نظرهایی درباره‌ی خبرهای سیاسی و اتفاقات را دربر می‌گیرد و به نوعی یادداشت‌ها و مصاحبه‌های آخمتووا را در طول سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۶۲ هم شامل می‌شود او ترجمه کتاب یادشده را بر اساس متن فرانسه آن با برگردان آئین میشل در حال انجام دارد کریمی مهر متولد سال ۱۳۵۴ و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فرانسه است ترجمه کتاب

"افتخار بزرگ" درباره زندگی زین‌الدین زیدان - بازیکن فوتبال فرانسه - و مقاله‌هایی درباره شارل بودلر و مارسل پروست، پیش‌تر از او منتشر شده است.

محمد راستگو گزیده شعر عرب را ترجمه می‌کند

سیدمحمد راستگو گزیده‌ای از شعر عرب را ترجمه می‌کند به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، راستگو در نظر دارد گزیده‌ای از شعر عرب را که بیش‌تر معاصران را شامل می‌شود، انتخاب و به زبان فارسی ترجمه کند او همچنین به تصحیح تفسیر عبدالرحمان سلمی با عنوان "حقایق‌التفسیر" مشغول است.

راستگو علاوه بر دو کتاب "تصحیح و تعلیق دیوان حافظ" و "مجموعه مقالاتی درباره حافظ" که از سوی نشرنی زیر چاپ هستند، کتاب "فلسفه تأویل" حامد نصر ابوزید را از زبان عربی به فارسی در دست ترجمه دارد و به تألیف "شرح صد غزل حافظ" نیز مشغول است سیدمحمد راستگو استاد ادبیات دانشگاه کاشان است که چندی پیش ترجمه کتاب "چنین گفت ابن عربی" را از ابوزید منتشر کرده است.

ترجمه کتاب‌های هوشنگ مرادی کرمانی به زبان عربی، ایتالیایی و ترکی

"قصه‌های مجید" و داستان "مثل ماه شب چهارده" در بازار نشر ترکیه

تنها ایرانی نامزد آسترید لینگدون ۲۰۰۹ از ترجمه دو کتاب "خمیره" و "شما که غریبه نیستید" توسط حسین طرفی به زبان عربی خبر داد هوشنگ مرادی کرمانی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) همچنین خبر داد: به زودی ۱۲ قصه از "قصه‌های مجید"، در کنار داستان "مثل ماه شب چهارده" که پیش از این توسط مترجم ترک‌زبان "ماسیل باسچی" به زبان ترکی استانبولی ترجمه شده بودند، در ترکیه عرضه شوند بنا به گفته این نویسنده کشورمان، کریستینا پورنیا با ملیتی نیمه ایرانی ترجمه چند داستان از "قصه‌های مجید" و "پلوخورش" را به زبان ایتالیایی در دست کار دارد وی که اخیراً مدرک کارشناسی ارشد خود را با درجه خوب از دانشگاه اسپینزای ایتالیا کسب کرده است از جمله دانشجویانی است که پایان‌نامه خود را با موضوع نقد و بررسی آثار هوشنگ مرادی با بهره‌گیری از راهنمایی‌های این نویسنده زیرنظر استاد راهنما ماریو کازاره طی کرده است هوشنگ مرادی کرمانی که به تازگی سن ۶۴ سالگی خود را پشت سر گذاشته است از جمله نویسندگانی است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان دانشگاه‌های مختلف نقد و بررسی آثار او

را از زوایای مختلف در دست پژوهش دارند برخی از آثار این نویسنده همچون **قصه‌های مجید** به چاپ بیستم رسیده است و کتاب **شما که غریبه نیستید** او در شکل و شمایل متفاوت برای دهمین بار توسط انتشارات معین تجدید چاپ شده است.

با ترجمه ساسان تبسمی.

کتاب برنده بوکر دوریس لسینگ در ایران چاپ می‌شود.

رمان **فرزند عشق دوریس لسینگ** - نویسنده برنده نوبل ادبیات - با ترجمه ساسان تبسمی منتشر می‌شود. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این اثر که جایزه بوکر را نیز دریافت کرده، درباره سربازی انگلیسی است و ماجرا در آفریقای جنوبی می‌گذرد داستان بر اساس نوشته‌های لسینگ در زمان بودنش در آفریقا است و به گفته تبسمی، با محوریت جنگ دوم جهانی نوشته شده. اثر یادشده به تازگی مجوز انتشار دریافت کرده است و از سوی نشر علم منتشر خواهد شد. همچنین شکستی‌ها اثر فیلیپ و مارتین دولرم و خیابان بوتیک‌های تاریک پاتریک مودیانو با ترجمه این مترجم به زودی منتشر خواهد شد. او **کافه جوانی گم‌شده** - آخرین اثر مودیانو - را هم به فارسی ترجمه کرده که از سوی نشر افق منتشر می‌شود.

کلمه‌های قصار نیچه را با ترجمه فیروزآبادی می‌خوانیم

اندیشه‌های زرین نیچه با ترجمه سعید فیروزآبادی به چاپ رسید. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این اثر کلمات قصار نیچه - فیلسوف آلمانی - درباره مسائل مختلف است، که به تازگی با ترجمه فیروزآبادی از سوی نشر بدیهه منتشر شده است. **انجیل پنجم** نوشته پتر اسلوتر دایک که تفسیری از آثار نیچه است نیز با ترجمه این مترجم منتشر خواهد شد. این اثر مجموعه سخنرانی‌هایی است که درباره نیچه، آثار و مرگ او ارائه شده و از سویی، آرای اندیشمندان را درباره او دربر می‌گیرد. فیروزآبادی پیش‌تر از آثار نیچه، **انسانی بسیار انسانی** و این است **انسان** را ترجمه کرده است. فریدریش ویلهلم نیچه ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴ در پروس زاده شد و سال ۱۹۰۰ درگذشت. زایش تراژدی"، "انسانی بیش از حد انسانی"، "آواره و سایه‌اش" "سپیده‌دم"، "حکمت شادان"، "فراسوی نیک و بد"، "تبارشناسی اخلاق"، "غروب بتان یا فلسفیدن با پتک"، "چنین گفت زرتشت: کتابی برای همه و هیچ‌کس"، "دجال"، "اینک انسان"، "اراده معطوف به قدرت" و "اکنون میان دو هیچ" (مجموعه شعرها)، آثار این فیلسوف هستند.

ترجمه ارسالی خوانندگان

دختر

مترجم: محمد حیات

رخت سفید رو دوشنبه‌ها می‌شوری و پهنشون می‌کنی رو پشته‌ی سنگ، بسین اینجوری؛ رخت رنگی‌ارم سه شنبه‌ها می‌شوری و پهنشون می‌کنی سر بند تا خشک شن؛ نینم ظهر گرم‌ها سر نختی بری بیرون؛ کلوچه رو با روغن معطر داغ می‌پزن؛ لباسای کوچولو موجه‌تو تا در آوردی بشور؛ وقتی میری پارچه نخعی بخری که واسه خودت بلوزای قشنگ بدوزی، شستندگ حواستو جمع می‌کنی که پارچه‌هه آهار نخورده باشه، چون بعد یکی دو بار شستن وا میره؛ ماهی شورا رو شب قبل از این‌که بپزی، بذار خوب خیس بخورن؛ بینم، زاس می‌گن یکشنبه‌ها تو کلاسای مذهبی می‌زنی زیر آواز؛ همیشه جوروی غذاتو بخور که دهن این و اون آب نیفته؛ یکشنبه‌ها مته یه پارچه خانم رفتار می‌کنی ها، نه مته اون دخترای چشم سفیدی که یواش یواش داری شبیه‌شون می‌شی؛ نشنم یکتنبه‌ها تو کلاسای مذهبی زدی زیر آواز ها؛ نینم با بر و بچه های بی سر و پا دهن به دهن شده‌ای. حتی اگه نشونی جای بی رو ازت خواستن محلشون نمی‌داری؛ تو خیابون میوه نخوری چون ونوقت دیگه مکسا دست ز سرت بر نمی‌دارن؛ ولی من نه یکشنبه ها، نه تو کلاسای مذهبی، نه هیچوقت دیگه‌ای نمی‌زنم زیر آواز؛ این جوروی دکمه رو به پارچه می‌دوزن؛ بعدش که دکمه رو دوختی، اینجوری واسه‌اش جادکمه‌ای در میاری؛ وقتی لبه‌ی لباسی پوسیده شد، اینجوری لبه دوزیش می‌کنن؛ اگه این کارایی که گفتم انجام بادی دیگه از ریخت و قیافه‌ی اون دخترای چشم سفیدی که یواش یواش داری شبیه‌شون میشی در میای؛ اگه می‌خوای رو پیرهن خاکی بابات چروک باقی نمونه، این جوروی که من میگم اتوش می‌کنی؛ واسه اینکه شموار خاکی بابات چروک نداشته باشه، این جوروی که من می‌گم اتوش می‌کنی؛ بامیه رو خینی دور از خونه می‌کارن، چون بوته‌ی بامیه هر چی مورچه‌سرخه می‌کشونه صرف خودش؛ موقع کاشتن دشتین یادت نره یه ریز آبش بادی، چون اگه ندی وقت خوردن تو گلوت خارش می‌افته؛ گوشه‌موشه‌های خونه رو این جوروی جارو می‌کنن، گوشت با منه؛ کل خونه رو اینجوری جارو می‌کنن؛ حیاط رو هم این جوروی جارو می‌کنن؛ اگه از کسی همچی خوشت نمیاد، این جوروی بهش لبخند بزنی؛ اگه زد و مهمون بخصوصی اومد، میز شامو این جوروی مرتب می‌کنی؛ به کسی که چشم دیدنشو نداری این جوروی لبخند می‌زنی؛ به کسی هم که خینی ازش خوشت میاد این جوروی لبخند می‌زنی؛ میز جای رو این جوروی

Girl

by Jamaica Kincaid

Wash the white clothes on Monday and put them on the stone heap; wash the color clothes on Tuesday and put them on the clothesline to dry; don't walk barehead in the hot sun; cook pumpkin fritters in very hot sweet oil; soak your little cloths right after you take them off; when buying cotton to make yourself a nice blouse, be sure that it doesn't have gum on it, because that way it won't hold up well after a wash; soak salt fish overnight before you cook it; is it true that you sing benna in Sunday school?; always eat your food in such a way that it won't turn someone else's stomach; on Sundays try to walk like a lady and not like the slut you are so bent on becoming; don't sing benna in Sunday school; you mustn't speak to wharbflies will follow you; but I don't sing benna on Sundays at all and never in Sunday school; this is how to sew on a button; this is how to make a button-hole for the button you have just sewed on; this is how to hem a dress when you see the hem coming down and so to prevent yourself from looking like the slut I know you are so bent on becoming; this is how you iron your father's khaki shirt so that it doesn't have a crease; this is how you iron your father's khaki pants so that they don't have a crease; this is how you grow okrbafar from the house, because okra tree harbors red ants; when you are growing dasheen, ake sure it gets plenty of water or else it makes your throat itch when you are eating it; this is how you sweep a corner; this is how you sweep a whole house; this is how you sweep a yard; this is how you smile to someone you don't like too much; this is how you smile to someone you don't like at all; this is how you smile to someone you like completely; this is how you set a table for tea; this is how you set a table for dinner; this is how you set a table for dinner with an important guest; this is how you set a table for lunch; this is how you set a table for breakfast; this is how to behave in

مرتب می‌کنن؛ میز صبحونه رو این جور مرتب می‌کنن؛ در حضور آدمایی که درست و حسابی نمی‌شناسی، باید این جور رفتار کنی، اون‌وقت که هم حرف منو زمین نمی‌ندازی هم این که اون‌ها پیت خودتون نمی‌گن بین چه دختره‌ی چش سفیده؛ یادت باشه هر روز خودتو بشوری، آگه شده با آ... دهنتم؛ نینم واسه تیله بازی عزا بگیری - خیالتو راحت کنم، تو پسر نیستی؛ نینم گلای مردمو بچینی، وگرنه می‌افتی تو هچل؛ به توکاها سنگ پرت نمی‌کنی، خدا رو چه دیدی شاید اصلاً توکا نبودن؛ این جور پودینگ درست می‌کنن؛ این جور دوکونا درست می‌کنن؛ این جور قلیه درست می‌کنن؛ این جور داروی رفع سرماخوردگی درست می‌کنن؛ برای اینکه کار بچه رو قبل از این که بچه بشه بسازن، این معجونو درست می‌کنن؛ این جور ماهی می‌گیرن؛ آگه از ماهیه خوشت نیومد می‌تونن این جور پرتش کنی سر جاش تا خدایی نکرده چیز نحسی دامتو بگیره؛ مردارو این جور غال می‌ذارن؛ مردارو این جور دخترارو غال می‌ذارن؛ آگه عاشق مردی شدی این کارو بکن، آگه جواب نداد راهای دیگه‌ای هم هست، آگه هیچ‌کدوم از اونام جواب نداد، غمباد بگیر و بی خیال شو؛ آگه یه دفعه زد به سرت و هوس کردی، این جور تف کن به هوا، بعدش هم این جور بز بچاک تا نیفته تو سرت؛ گلیم خودتو این جور بایستی از آب بکشی بیرون؛ آگه خواستی بفهمی نونی که خریدی تازه‌اس یا نه، فشارش بده؛ آگه یارو نونواه نداشت دس بز بچاک چی؟؛ یعنی بعد از این همه که تو سر خودم زدم می‌خوای جور بار بیای که عقلمو بدی دس یارو نونواه و هر چی اون گفت بگی باشه؟

the presence of men who don't know you very well, and this way they won't recognize immediately the slut I have warned you against becoming; be sure to wash every day, even if it is with your own spit; don't squat down to play marble; you are not a boy, you know; don't pick people's flowers; you might catch something; don't throw stones at blackbirds, because it might not be a blackbird at all; this is how to make a bread pudding; this is how to make doukona; this is how to make pepper pot; this is how to make a good medicine for a cold; this is how to make a good medicine to throw away a child before it even becomes a child; this is how to catch a fish; this is how to throw back a fish you don't like, and that way something bad won't fall on you; this is how to bully a man; this is how a man bullies you; this is how to love a man; and if this doesn't work there are other ways, and if they don't work don't feel too bad about giving up; this is how to spit up in the air if you feel like it, and this is how to move quick so that it doesn't fall on you; this is how to make ends meet; always squeeze bread to make sure it's fresh; but what if the baker won't let me feel the bread?; you mean to say that after all you are really going to be the kind of woman who the baker won't let near the bread?

نمونه ترجمه

فوغ مرگ

پاول سلان

ترجمه خسرو ناقد

شیر سیاه صبحگاهان ما می نوشیم اش شامگاهان
می نوشیم اش نیمروز و بامدادان می نوشیم اش شبانگاهان
ما می نوشیم و می نوشیم

گوری می کنیم در هوا، آنجا که تنگ نیست بستر ما
مردی در این جا خانه دارد او بازی می کند با مارها و می نویسد
او می نویسد نامه‌ای به آلمان، وقتی تاریک می شود، موهای طلاییات مارگرت
او می نویسد و پا می گذارد از خانه بیرون و برق می زند ستاره‌ها و سوت می زند سگ‌هایش را
و سوت می زند یهودی‌هایش را تا بیایند و می گذارد تا گوری بکنند در زمین
او فرمان می دهد که بنوازیم ما اینک ساز رقص

شیر سیاه صبحگاهان ما می نوشیم اش شبانگاهان
می نوشیم اش بامدادان و نیمروز می نوشیم اش شامگاهان
ما می نوشیم و می نوشیم

مردی در این جا خانه دارد او بازی می کند با مارها و می نویسد
او می نویسد نامه‌ای به آلمان، وقتی تاریک می شود، موهای طلاییات مارگرت
موهای خاکستریات سولامیت، ما گوری می کنیم در هوا، آنجا که تنگ نیست بستر ما
او صدا می زند عمیق تر کنید گودال را، شماها و شماها بخوانید و بنوازید ساز رقص

Todesfuge

Von Paul Celan

Schwarze Milch der Frühe wir trinken sie abends
 wir trinken sie mittags und morgens wir trinken sie nachts
 wir trinken und trinken
 wir schaufeln ein Grab in den Lüften da liegt man nicht eng
 Ein Mann wohnt im Haus der spielt mit den Schlangen der schreibt
 der schreibt wenn es dunkelt nach Deutschland dein goldenes Haar Margarete
 er schreibt es und tritt vor das Haus und es blitzen die Sterne
 er pfeift seine Rüden herbei
 er pfeift seine Juden hervor lässt schaufeln ein Grab in der Erde
 er befiehlt uns spielt auf nun zum Tanz
 Schwarze Milch der Frühe wir trinken dich nachts
 wir trinken dich morgens und mittags wir trinken dich abends
 wir trinken und trinken
 Ein Mann wohnt im Haus der spielt mit den Schlangen der schreibt
 der schreibt wenn es dunkelt nach Deutschland dein goldenes Haar Margarete
 Dein aschenes Haar Sulamith wir schaufeln ein Grab in den Lüften
 da liegt man nicht eng
 Er ruft stecht tiefer ins Erdreich ihr einen ihr andern singet und spielt
 er greift nach dem Eisen im Gurt er schwingts seine Augen sind blau
 stecht tiefer die Spaten ihr einen ihr anderen spielt weiter zum Tanz auf
 Schwarze Milch der Frühe wir trinken dich nachts
 wir trinken dich mittags und morgens wir trinken dich abends
 wir trinken und trinken
 ein Mann wohnt im Haus dein goldenes Haar Margarete
 dein aschenes Haar Sulamith er spielt mit den Schlangen
 Er ruft spielt süßer den Tod der Tod ist ein Meister aus Deutschland
 er ruft streicht dunkler die Geigen dann steigt ihr als Rauch in die Luft
 dann habt ihr ein Grab in den Wolken da liegt man nicht eng
 Schwarze Milch der Frühe wir trinken dich nachts
 wir trinken dich mittags der Tod ist ein Meister aus Deutschland
 wir trinken dich abends und morgens wir trinken und trinken
 der Tod ist ein Meister aus Deutschland sein Auge ist blau
 er trifft dich mit bleierner Kugel er trifft dich genau
 ein Mann wohnt im Haus dein goldenes Haar Margarete
 er hetzt seine Rüden auf uns er schenkt uns ein Grab in der Luft
 er spielt mit den Schlangen und träumet der Tod ist ein Meister aus
 Deutschland

dein goldenes Haar Margarete
 dein aschenes Haar Sulamith

او دست می‌برد به سلاح کمربندش و می‌چرخاند آن را در هوا. آبی است چشمانش
 فرو کنبد بیل‌ها را در عمق زمین، شماها و شماها بنوازید همچنان ساز رقص
 شیر سیاه صبحگاهان ما می‌نوشیمات شبانگاهان
 می‌نوشیمات نیم‌روز و بامدادان می‌نوشیمات شامگاهان
 ما می‌نوشیم و می‌نوشیم

مردی در این جا خانه دارد. موهای طلاییات مارگرته
 موهای خاکستریات سولامیت، او بازی می‌کند با مارها

او صدا می‌زند بنوازید مرگ را شیرین‌تر، مرگ، استادی است از آلمان
 او صدا می‌زند بنوازید سازها را با صدای بم، بعد بروید مثل دود به‌هوا
 بعد گورتان در ابرهاست، آنجا که تنگ نیست بستران

شیر سیاه صبحگاهان ما می‌نوشیمات شبانگاهان
 می‌نوشیمات نیم‌روز، مرگ، استادی است از آلمان
 می‌نوشیمات شامگاهان ما می‌نوشیمات صبحگاهان ما می‌نوشیم و می‌نوشیم
 مرگ، استادی است از آلمان، آبی است چشم‌هایش
 او می‌زند تیری از سرب به‌تو، به‌خطا نمی‌رود تیرش
 مردی در این جا خانه دارد، موهای طلاییات مارگرته
 او می‌اندازد سگ‌هایش را به‌جان ما و می‌بخشد به‌ما گوری در هوا
 او بازی می‌کند با مارها و خواب می‌بیند، مرگ، استادی است از آلمان

موهای طلاییات مارگرته

موهای خاکستریات سولامیت

Fugue of Death

Translated by Christopher Middleton

Black milk of daybreak we drink it at nightfall
 we drink it at noon in the morning we drink it at night
 we drink it and drink it
 we are digging a grave in the sky it is ample to lie there
 A man in the house he plays with the serpents he writes
 he writes when the night falls to Germany your golden hair Margarete
 he writes it and walks from the house the stars glitter he whistles his dogs up
 he whistles his Jews out and orders a grave to be dug in the earth
 he commands us strike up for the dance

Black milk of daybreak we drink you at night
 we drink you in the morning at noon we drink you at nightfall
 drink you and drink you
 A man in the house he plays with the serpents he writes
 he writes when the night falls to Germany your golden hair Margarete
 Your ashen hair Shulamith we are digging a grave in the sky it is ample to lie there

He shouts stab deeper in earth you there and you others you sing and you play
 he grabs at the iron in his belt and swings it and blue are his eyes
 stab deeper your spades you there and you others play on for the dancing

Black milk of daybreak we drink you at nightfall
 we drink you at noon in the mornings we drink you at nightfall
 drink you and drink you
 a man in the house your golden hair Margarete
 your ashen hair Shulamith he plays with the serpents

He shouts play sweeter death's music death comes as a master from Germany
 he shouts stroke darker the strings and as smoke you shall climb to the sky
 then you'll have a grave in the clouds it is ample to lie there

Black milk of daybreak we drink you at night
 we drink you at noon death comes as a master from Germany
 we drink you at nightfall and morning we drink you and drink you
 a master from Germany death comes with eyes that are blue
 with a bullet of lead he will hit in the mark he will hit you
 a man in the house your golden hair Margarete
 he hunts us down with his dogs in the sky he gives us a grave
 he plays with the serpents and dreams death comes as a master from Germany
 your golden hair Margarete
 your ashen hair Shulamith.

Schicksalslied

Fredrich Hoelderlin

Ihr wandelt droben im Licht
Auf weichem Boden, selige Genien!
Glaenzende Goetterluefte
Ruehren Euch leicht,
Wie die Finger der kuenstlerin
Heilige Saiten

Schicksallos, wie der schlafende
Säuegling, atmen die Himmlischen;
Keusch bewahrt
In bescheidener knospe
Bluehet ewig
Ihnen der Geist,
Und die seligen Augen
Blicken in stiller,
Ewiger Klaerheit.

Doch uns ist gegeben,
Auf keiner Staette zu ruhn;
Es schwinden, es fallen
Die leidenden Menschen
Blindlings von einer
Stunde zur andern,
Wie wasser von klippe
Zu klippe geworfen,
Jahrlang ins Ungewisse hinab.

ترانه سرنوشت

ترجمه علی اصغر حداد

جان‌های نیکبخت!
در دشت‌های روشن هموز
در هاله‌های نور
در آن فرازهای سحر می‌زیند کام،
و دست مهربان نسیمی
پیوسته می‌نوازدتان آرام،
آن سان که پنجه‌های هنرمند
تارهای ساز مقدس را.

و آسمانیان، فارغ ز سرنوشت
چون کودکان خفته نفس می‌کشند نرم
و ندر نهفت غنچه نازک
جان‌های پاکشان
گویی که جاودانه شکوفاست،
در جاودانگی
نگه تابناکشان فروزین.

اما نصیب ما این است
در هیچ منزلی بندساییم،
انسان دردمند پیوسته ناکزیر
فرسوده می‌شود
فرو می‌فتد
از لحظه‌ای به لحظه دیگر
بسان آب که پرتاب می‌شود
از صخره‌ای به صخره دیگر
در طول سالیان، تا قعر ناکجا.